الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۲۱

وحید مقدم** محمد جانی‌پور*** علی خلیلی****

چکیده

در اقتصاد کلان رایج، استقراض خانوارها، دولت و بنگاه‌ها طرف تقاضای بازار وجوه وام را تشکیل می‌دهند که رابطه معکوس با نرخ بهره دارند؛ طرف عرضه این وجوه پس‌اندازکنندگان هستند که مقدار وجوه عرضه‌شده آنها، رابطه مستقیم با نرخ بهره دارد. با وجود تحریم ربا در اسلام و نیاز خانوارها به قرض، اسلام راهکار دیگری ارائه می‌کند. هدف اصلی این مقاله استخراج الگوی پیشنهادی اسلام برای بازار وجوه استقراضی و عوامل مؤثر بر منحنی‌های عرضه و تقاضای این وجوه است. فرضیه پژوهش آن است که اسلام به این بازار توجه داشته و تدابیری برای افزایش کارایی آن اندیشیده است. با تحلیل محتوای مضمونی آیات قرآن این نتیجه به دست می‌آید که در این الگو، در طرف عرضه، با تقویت انگیزه‌های اخروی، مسلمانان به دادن قرض ترغیب می‌شوند؛ در طرف تقاضا با تضمین بازپرداخت وام از طریق ابزارهای حقوقی مانند نوشتن قرض، گرفتن شاهد، گرفتن ضمانت و الزام حکومت به پرداخت قرض انسان معسر (تنگدست) سامان می‌یابد. وظیفه دولت اسلامی برای افزایش امکان تسویه این بازار عبارت است از: کنترل تورم، افزایش کارایی نظام حقوقی و قضایی، تربیت معنوی مردم برای افزایش انگیزه‌های معنوی، شناسایی نیازهای اساسی مردم ـ همانند ازدواج و ایجاد شغل ـ و تشویق مردم به اختصاص وجوهی از خود به این موارد.

واژگان کلیدی: *بازار وجوه قابل استقراض، قرض‌الحسنه، روش تحلیل محتوا، قرآن کریم.*

طبقه بندی JEL: A13، D01، D14، Z12.

---

*. مقاله پیش رو برگرفته از پایان‌نامه علی خلیلی با عنوان «مدیریت پول و بدهی با رویکرد اسلامی» می‌باشد که در سال ۱۳۹٤ در دانشکده اهل‌البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان دفاع شده است.

**. استادیار دانشکده اهل‌البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان. Email: v.moghadam@ahl.ui.ac.ir.

***. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان. Email: janpoor@gmail.com.

****. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشکده اهل‌البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان. Email: khalili.ali1366@yahoo.com.

مقدمه

نظام بانکی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادی نظام سرمایه‌داری، بر اساس بدهکاری بخش زیادی از عوامل اقتصادی استوار است؛ تعداد زیادی از مردم در کشورهای غربی برای افزایش مصرف خود از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وام می‌گیرند؛ افزون بر خانوارها، بنگاه‌ها و دولت نیز برای تأمین هزینه سرمایه‌گذاری و مخارج خود به استقراض متکی هستند؛ پس استقراض به منظور تأمین کسری بودجه دولت و خانوارها یکی از عناصر سازنده اقتصادهای مدرن است و نوآوری‌های مالی صورت‌گرفته عموماً برای حفظ سطح مخارج و تقاضای کل در اقتصاد صورت می‌گیرد؛ در غیر این صورت با کاهش تقاضای کل، اقتصاد وارد دوران رکود می‌شود.

در اقتصاد کلان رایج، چنین استقراض‌هایی در بازار وجوه قابل استقراض (وام‌دادنی) (Loanable Funds Market) انجام می‌شود که در طرف عرضه آن، پس‌انداز ملی ـ شامل پس‌اندازهای بخش خصوصی و بخش عمومی ـ قرار دارد و مقدار وجوه عرضه‌شده با نرخ بهره رابطه مستقیم دارد؛ در طرف تقاضای وجوه در یک اقتصاد سه‌بخشی، بنگاه‌ها قرار دارند که برای مخارج سرمایه‌گذاری به گرفتن وام متکی هستند و مقدار تقاضای آنها با نرخ بهره رابطه عکس دارد؛ نرخ بهره تعادلی نیز از برخورد منحنی تقاضا و عرضه وجوه وام‌دادنی حاصل می‌شود و موجب تسویه این بازار می‌شود. نمودار یک نشان‌دهنده عوامل مؤثر در این بازار است:

نمودار ۱: بازار وجوه قابل استقراض

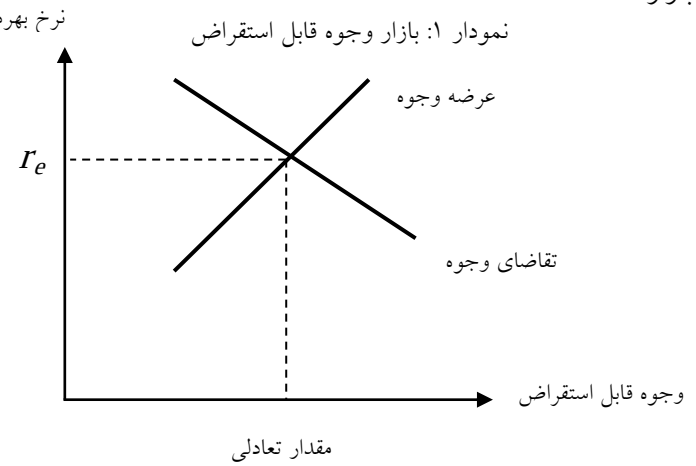

منبع: (منکیو، ۱۳۹۲، ص٤٥٥).

اهمیت اعتبارات در غرب تا آنجاست که پس از جنگ جهانی دوم محدودیت‌های قانونی اعمال‌شده بر اعتبار مشتریان با هدف حمایت از رونق بازار، در بسیاری از کشورها کاهش یافت؛ این کار با انتشار کارت اعتباری برای همه به جز افراد دارای ریسک بالا به اوج خود رسید (Ingham, 2008, p.103)؛ کارت اعتباری یک نوآوری مالی است که یک بانک یا مؤسسه اعتباری صادر کرده و به دارنده آن امکان خرید کالاها و خدمات بدون پرداخت وجه نقد و تنها با ارائه کارت را می‌دهد؛ دارنده کارت بهای کالا را با احتساب سود طی مدت زمان مشخصی به صادرکننده کارت می‌پردازد (موسویان، ۱۳۸٤، ص۵۸)؛ بدین‌ترتیب این کارت‌ها موجب بدهکارشدن بیشتر خانوارها می‌شوند؛ زیرا موجب هزینه‌کردن درآمد انتظاری آینده می‌شود.

قرض به بیان ساده به معنای مصرف و سرمایه‌گذاری با دارایی دیگران است و بنابراین نوع ویژه‌ای از روابط بین طلبکار و بدهکار را موجب می‌شود؛ در این صورت این سؤال پیش می‌آید که اندیشه اسلامی که سرشار از معارف تنظیم‌کننده روابط بین انسان‌ها برای به سعادت ابدی رساندن آنهاست، چگونه این نهاد را سامان می‌دهد؟ این سؤال از چند جنبه مهم است: یکی آنکه در اسلام ربا تحریم شده و بنابراین نمی‌توان قیمتی برای قرض‌دادن و قرض‌گرفتن تعیین کرد؛ دوم آنکه نیاز به قرض در نظام اقتصاد اسلامی را هم نمی‌توان منکر شد؛ زیرا در اقتصاد همواره افرادی وجود دارند که نه آن‌قدر فقیر هستند که واجب‌الصدقه و نیازمند کمک بلاعوض باشند و نه هدفشان از گرفتن قرض، سرمایه‌گذاری و کسب سود است که بتوان به آنها پیشنهاد استفاده از دیگر عقود تجاری همچون مضاربه و شرکت را داد؛ با توجه به آنکه اسلام یک دین جامع است که به همه ابعاد و نیازهای انسان ـ اعم از دنیا و آخرت، جسم و روح، عقل و احساس، و فرد و اجتماع ـ توجه دارد (مطهری، ۱۳۷۲، ص٦۳) و برای این کار دست‌کم از سه دسته آموزه اعتقادی، اخلاقی و رفتاری* متناظر با سه ساحت وجودی انسان یعنی عقل، گرایشات و احساسات، و رفتار

*. از دیدگاه شهید *مطهری*ﷺ آموزه‌های اسلامی شامل سه بخش است: ۱. عقاید: یعنی مسائل و معارفی که باید آنها را شناخته و به آنها معتقد شده و ایمان آورد؛ مانند مسئله توحید، صفات ذات باری تعالیﷻ و نبوت عامه و خاصه؛ ۲. اخلاق: یعنی مسائل و دستورهایی که درباره چگونه‌بودن انسان از نظر صفت‌های روحی و خصلت‌های معنوی بحث می‌کند؛ از قبیل عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا،

بهره می‌دهد، قطعاً به این نیاز انسان نیز توجه شده است. این فرضیه از آنجا تقویت می‌شود که مطالعه قرآن کریم نشان از توجه بسیار به قرض دارد؛ از سویی بلندترین آیه قرآن (بقره: ۲۸۲) مربوط به احکام دَین است و از سوی دیگر بارها به دادن قرض‌الحسنه به خداوند سفارش شده است (بقره: ۲٤٥).

با وجود اهمیت موضوع و مطالعات بسیاری که در زمینه بدهی، قرض و حرمت ربا انجام پذیرفته است؛ ولی در قسمت الگوسازی، کار چندانی صورت نپذیرفته است؛ به این معنا که با وجود تحریم ربا در اسلام و با وجود نیاز جامعه به استقراض، چه الگویی در نظام اقتصاد اسلامی ایدئال برای سامان‌بخشی به این نیاز وجود دارد. به‌طور مشخص همچنان‌که در فضای اقتصاد ربوی، بازار وجوه قابل استقراض دارای تعادل است، این تعادل در نظام اقتصاد اسلامی غیر ربوی چگونه قابل تصور است؟ هدف اصلی مقاله پیش رو استخراج الگوی پیشنهادی اسلام برای بازار وجوه استقراضی است؛ به‌طور مشخص طرف تقاضا و عرضه بازار وجوه در بازار استقراضی از چه عواملی تأثیر می‌پذیرند و چگونه جابه‌جا می‌شوند؟ آیا تعادل وجود دارد؟ فرضیه پژوهش پیش رو آن است که اسلام تدابیری برای افزایش کارایی این بازار اندیشیده است.

نکته مهم آنکه در اقتصاد ربوی ساختار انگیزشی افراد، بنگاه‌ها و حتی دولت یکسان بوده و نهایتاً کسب سود است؛ ولی در اقتصاد اسلامی ساختار انگیزشی این سه نهاد متفاوت است و به ترتیب عبارت است از: قرب الهی، کسب سود ـ در کنار خدمت به خلق ـ و انتظام امور مسلمین؛ بنابراین مقاله پیش رو خود را محدود به فضای فردی نموده و ارائه الگوی کلی را به مطالعات آتی واگذار می‌نماید.

این مقاله با هدف استخراج این الگو از دیدگاه قرآن از روش تحلیل محتوای مضمونی استفاده کرده و در بخش‌های زیر سامان یافته است: ابتدا مفهوم قرض در اقتصاد و حقوق

صداقت، امانت؛ ۳. احکام: یعنی مسائل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی و چگونه باید انجام شود؛ از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، اجاره، نکاح، طلاق، و تقسیم ارث. علم کلام متصدی بخش اول، علم اخلاق متصدی بخش دوم و علم فقه متکفل بخش سوم است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ٦۰-۱٥۹).

و معادل‌های آن در قرآن توضیح داده می‌شود؛ در بخش دوم، مروری بر مطالعات مرتبط صورت گرفته و در بخش سوم روش تحقیق بیان می‌شود؛ در بخش چهارم تحلیل محتوای آیات قرآن انجام شده و بخش پنجم نتایج تحلیل محتوا را ارائه می‌دهد؛ در بخش ششم مبتنی بر نتایج تحلیل محتوا، الگوی بازار وجوه قابل استقراض در اقتصاد اسلامی ارائه می‌شود؛ بخش پایانی به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

۱. مفهوم استقراض

بازار وجوه استقراضی ترجمه عبارت انگلیسی loanable funds market است؛ پس کافی است روی واژه laon تمرکز کنیم: loan که به فارسی وام، قرض و ... ترجمه شده، عبارت است از دادن پول، مال یا دیگر انواع دارایی‌ها از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده برای یک دوره زمانی. قرض‌گیرنده متعهد می‌شود که در طول زمان یا در سررسید، آن را به قرض‌دهنده بازگرداند. وجوه استقراضی شامل وجوهی از قبیل وام، اوراق قرضه و سپرده‌های پس‌انداز است که در بازارهای مالی برای وام‌دهی در دسترس است (Pearce, 1992, p.250)؛ از آنچه گفته شد نتیجه می‌شود که واژه قرض کلیدواژه مربوطه است؛ چراکه هر پرداخت وامی نتیجه عمل قرض‌دادن و قرض‌گرفتن است.

قرض یکی از اسباب دَین است؛ دَین را مالی کلّی که ذمّهٔ فرد به آن مشغول باشد تعریف کرده‌اند (ابن‌سعید حلّی، ۱٤۰۵ق، ص۲۸۳)؛ خواه سبب آن اختیاری باشد: مانند اشتغال ذمّهٔ زوج به مهریه به سبب عقد ازدواج یا اشتغال ذمّهٔ قرض‌گیرنده به عوض قرض به سبب عقد قرض و یا اشتغال ذمّهٔ خریدار به ثمن در بیع نسیه و فروشنده به مثمن در بیع سلف؛ و یا غیر اختیاری باشد: مانند اشتغال ذمّهٔ فرد به بدل چیزی که آن را تلف کرده است یا اشتغال ذمّهٔ زوج به نفقه زوجه و مانند آن (موسوی خمینی، ۱٤۰۹ق، ص٦٤۷)؛ به بیان دیگر، مراد از دَین، حقی مالی است که به سببی از اسباب حقوقی نظیر بیع، نکاح یا ضمانت، ذمّهٔ شخص بدان مشغول می‌شود؛ گاهی دَین به معنای قرض به کار می‌رود؛ ولی همان‌گونه‌که دیدیم بیشتر معنای آن را عام‌تر از قرض می‌دانند (معصومی‌نیا، ۱۳۹۳).

با توجه به آنچه گفته شد دو کلیدواژه قرآنی عبارت‌اند از: قرض و دَین. از دیگر واژه‌هایی که به معنای بدهکاری در قرآن به کار رفته واژه «غارم» است که تنها یک‌بار در

قرآن مجید به کار رفته: «إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» (توبه: ٦٠)؛ مراجعه به کتاب **مفردات** راغب نشان‌دهنده آن است که این واژه بر دو معنی بدهکار و طلبکار دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص۵۷۳).

۲. پیشینه پژوهش

کمیجانی و *هادوی‌نیا* (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن» با روش تحلیلی ـ توصیفی و با استفاده از منابع فقهی، روایی و تفسیری، ماهیت قرض‌الحسنه را مورد توجه قرار داده‌اند و این مرحله را زمینه‌ساز استفاده از نظریه‌های اقتصادی از طریق روش قیاس برای پیش‌بینی آثار احتمالی قرض‌الحسنه از طریق ارائه شاخص‌های مناسب می‌دانند تا بتوان تجارب کنونی مرتبط با قرض‌الحسنه را بررسی کرد؛ از جمله نتایج مرتبط این مقاله با پژوهش پیش رو آن است که «انگیزه معنوی و اخروی وام‌دهنده و نیازمندبودن وام‌گیرنده به عنوان دو رکن اساسی، نقش مهمی در تبیین و پیش‌بینی اثرات اجتماعی – اقتصادی قرض‌الحسنه دارد».

هادوی‌نیا (۱۳۸۰) در مقاله «اوراق قرض‌الحسنه» با استفاده از فقه امامیه و با هدف تقویت نهاد قرض‌الحسنه و گسترش فرهنگ آن در جوامع اسلامی به طراحی اوراق بهادار ویژه‌ای به نام اوراق قرض‌الحسنه می‌پردازد؛ این اوراق بر اساس قرارداد قرض بدون بهره منتشر می‌شود و به موجب آن، ناشر اوراق به میزان ارزش اسمی آنها به دارندگان اوراق بدهکار است و بایستی در سررسید معیّن یا عندالمطالبه به آنان بپردازد.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۱) در مطالعه «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی» با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی و با اشاره به مفهوم و جایگاه قرض‌الحسنه، تأثیر آن بر متغیرهای مهم اقتصادی و نقش دولت در این رفتار پسندیده را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که میان نهاد قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، هماهنگی و سازگاری ویژه‌ای وجود دارد.

میرمعزی (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان «تقاضای پول در اقتصاد اسلامی» با روش رایج در علم اقتصاد به دنبال استخراج تابع تقاضای پول اسلامی، ابتدا انگیزه‌های مختلف

یک عامل اقتصادی مسلمان را برشمرده و اثر آن را بر تقاضای پول بررسی می‌کند؛ یکی از راه‌های نگهداری ثروت، دادن قرض‌الحسنه و نگهداری ثروت به صورت طلب و بهره‌مندی از ثواب اخروی است؛ بنابراین، ثواب قرض‌الحسنه هزینه فرصت نگهداری ثروت به شکل پول نقد است و متغیر مستقل مربوطه ایمان فرد است؛ پس تقاضای پول فرد رابطه‌ای معکوس با ایمان او دارد؛ هرچه ایمان فرد بیشتر شود، برای دستیابی به ثواب بیشتر، سهم زیادتری از ثروت خود را به صورت قرض‌الحسنه نگه می‌دارد.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۳) در مقاله «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری ـ روایی» به روش فقهی و با کمک از تفاسیر به دنبال اثبات این مطلب است که اصطلاح قرض‌الحسنه در قرآن بر قرض‌الحسنه مصطلح دلالت ندارد و برای اثبات درستی و مشروعیت قرض‌الحسنه می‌توان از عمومات و اطلاقات قرآنی و نیز احادیث بسیاری که در اصناف مختلف در مقام تشویق به عرضه و تحدید تقاضا و نیز مقایسه قرض‌الحسنه با عقود دیگر آمده است، استفاده کرد؛ به علاوه قرض‌الحسنه بر خلاف ارتکاز اولیه صرفاً منحصر به پول نیست، بلکه شامل همه اشیای مثلی و حتی قیمی قابل وصف و ضبط دقیق است.

اخوان کاظمی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با نام «امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی» به کمک روش تحلیلی ـ توصیفی بیان می‌کند که در آموزه‌های قرآنی، دو راهکار مهم ایجاد و تحکیم امنیت اقتصادی عبارت است از: پرداخت انفاق و قرض‌الحسنه که دو بدیل مناسب برای جایگزینی پدیده شوم ربا می‌باشند.

محققنیا (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران» با استفاده از روش تحلیل داده‌های بانکی توضیح می‌دهد که در نظام مالی اسلامی، قرض‌الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله‌ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین‌های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است؛ درحالی‌که صدقات باید به مصرف نیازهای حاد برسد و عقود به متقاضیان وجوه برای کسب سود اختصاص دارد، قرض‌الحسنه پاسخگوی نیاز افرادی است که نه آن‌قدر نیازمندند که مستحق وجوه انتقالی باشند و نه آن‌قدر توانایی دارند که بتوانند با کسب سود، دیگران را نیز در سود خود شریک کنند؛ اگرچه نظام بانکی بدون ربا نتوانسته است قرض‌الحسنه را به جایگاه اصلی خود برساند.

رضوان‌خواه و *فاضلی دهکردی* (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «احصاء و بررسی مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم» با استفاده از روش تحلیل اسنادی، به این نتیجه می‌رسند که یکی از اصول جهاد اقتصادی، احساس مسئولیت افراد در رابطه با رفع نیازهای یکدیگر است که موجب تقویت شخصیت اجتماعی می‌شود و یکی از ابزارهای این کار دادن وام به صورت قرض‌الحسنه است که در ازای آن هیچ سودی به فرد وام‌دهنده پرداخت نمی‌شود و یکی از روش‌های رفع نیازهای افراد جامعه است.

در دسته‌ای از مطالعات که برای تدوین اقتصاد کلان اسلامی انجام شده است، بازار وجوه وام‌دادنی با بازار مضاربه جایگزین شده است (ر.ک به: انور، ۱۹۸۷م، ص۶۰). این کار تا حدی درست است؛ زیرا در اقتصاد اسلامی هم انگیزه‌های مادی وجود دارد و هم انگیزه‌های معنوی و نوع‌دوستی؛ انگیزه مادی موجب ایجاد بازارهای شبیه به بازار مضاربه شده؛ ولی انگیزه‌های معنوی موجب ایجاد بازارهای استقراض یا قرض‌الحسنه می‌شود که قابل نادیده‌گرفتن نیست.

با بررسی این مطالعات آشکار می‌شود که بیشتر مطالعات اولاً عمدتاً به طرف عرضه قرض‌الحسنه پرداخته‌اند و طرف تقاضای آن کمتر مورد دقت قرار گرفته است؛ ثانیاً بحث‌های اعتقادی، اخلاقی و احکامی قرض و دین را از یکدیگر تفکیک نکرده‌اند و ثالثاً به دنبال استخراج الگوی بازار وجوه استقراضی در اقتصاد اسلامی به روش مرسوم الگوسازی در دانش اقتصاد برنیامده‌اند؛ مقاله پیش رو از این جهت که به هر سه جنبه پرداخته، دارای نوآوری در این زمینه است.

مطالعات اسلامی گوناگونی به روش تحلیل محتوا در سال‌های اخیر صورت گرفته است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

باقری و دیگران (۱۳۹۲) در مطالعه «تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام *علی*ؑ: پژوهشی با روش تحلیل محتوا» برای استخراج اهداف تغییر رفتار و روان انسان از بیانات حضرت *علی*ؑ، از روش تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند.

روحی برندق (۱۳۹٤) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل فقه‌الحدیثی مفهوم احادیث دال بر اسمای حسنای خدا بودن اهل‌بیتؑ» با استفاده از روش تحلیل محتوا برای تحلیل

داده‌های گردآوری‌شده از احادیث، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که مفهوم دقیق اسمای حسنی بودن اهل‌بیت علیهم‌السلام که در احادیث اسلامی آمده است، چیست.

امیری (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان «مدیریت عمومی مبتنی بر **نهج‌البلاغه** (مورد مطالعه: نامه ۵۳)» با هدف طراحی یک الگوی مدیریت عمومی مبتنی بر منابع اصلی دینی، می‌کوشد این الگو را از نامه شماره ۵۳ **نهج‌البلاغه** (نامه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به *مالک اشتر* رحمه‌الله) به وسیله روش تحلیل محتوا استخراج کند.

شایگان (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت *علی* علیه‌السلام» با هدف بومی‌سازی شاخص‌های اعتماد سیاسی، در ابتدا با مرور ادبیات علمی این موضوع، عناوین این شاخص‌ها را استخراج کرده و سپس با مراجعه به **نهج‌البلاغه** با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا، شاخص‌های مرتبط با وظیفه حاکمان در برابر مردم که منتج به اعتماد سیاسی آنان می‌شود را استخراج می‌کند.

جانی‌پور و *لطفی* (۱۳۹٤) در مطالعه «نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی» برای پاسخ به سؤالاتی همچون علت پراکندگی گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم، نظام حاکم بر آنها و جایگاه این نظام در مجموعه نظام معارف اسلامی، نخست از روش تحلیل محتوا برای استخراج، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی گزاره‌های اخلاقی قرآن استفاده کرده تا در گام بعد به این سؤالات پاسخ دهند.

۳. روش تحقیق

روش «تحلیل محتوا» (Content Analysis) یا «روش تحلیل مضمونی» (Tematic Analysis) که روشی علمی برای تفسیر «متن» (Text) است، از جمله روش‌های تحقیق غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای در علوم انسانی است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵)؛ کاربرد این روش در حوزه علوم انسانی قرار داشته و به علت اینکه نتایج به‌دست‌آمده از طریق آن، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته است؛ این روش، از جمله روش‌های «تحلیل کیفی» (Qualitative Analysis) متن‌کاو و متن‌محور است که در آن «مفهوم» و «معنای» متن در کنار «عدد» و «شمارش»، از اهمیت والایی برخوردار بوده، به‌گونه‌ای‌که از تحلیل تک‌تک واژگان و سپس استخراج مقوله‌ای

کلی از متن، معنایی فراتر از آنچه در نگاه اول حاصل شده بود، ایجاد می‌شود (فیروزان، ۱۳٦۰، ص۲۱۱).

تحلیل محتوای متن، تاریخچه بسیار قدیمی دارد؛ نخستین‌بار کتب و متون مذهبی را با این روش تجزیه و تحلیل می‌کردند. در سال ۱۹۵۵م مجموعه اشعار شاعری ناشناس با عنوان **سرودهای صهیون** بررسی شد؛ چراکه از سانسور دولتی مصون بوده و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شد؛ اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک‌بودن یا نبودن مضمون این اشعار بود (باردن، ۱۳۷۵، ص۹).

لورنس باردن در کتاب خود با عنوان **تحلیل محتوا** اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قراردادن اجزای یک متن (واژگان، جمله‌ها، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (همان، ص۲۹).

تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد واژگان عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود؛ پیام‌هایی که به وسیله متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ بنابراین به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت؛ روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند (عزتی، ۱۳۷٦، ص۲۳۰).

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ‌دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص۲۲۲).

ازآنجاکه در این روش تلاش می‌شود در فرایندی معکوس، مراحل شکل‌گیری و ایجاد یک متن شناسایی شده و از این طریق به واکاوی ماهیت متن پرداخته و متن را تحلیل نمود، پس تبیین قابل قبول‌تری از پدیده اختلاف در فهم متون دینی ارائه داده و واقعیت را بهتر نشان می‌دهند، بنابراین در پژوهش پیش رو از این روش استفاده شده است.

درعین‌حال باید این نکته را نیز یادآور شد که روش تحلیل محتوا، بسیار متفاوت از روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» (Grounded Theory) است؛ «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» عبارت است از آنچه که به‌طور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و به دنبال کشف از طریق استقراء می‌باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۸٤، ص۲۲)؛ روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است؛ این استراتژی پژوهش بر سه عنصر: «مفاهیم»، «مقوله‌ها (طبقه‌ها)» و «قضیه‌ها» یا آنچه که ابتدا «فرضیه‌ها» نامیده می‌شد، استوار است؛ درعین‌حال، مفاهیم، عناصر کلیدی تحلیل هستند؛ زیرا نظریه از مفهوم‌سازی داده‌ها و نه جمع داده‌های عینی حاصل می‌شود (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳، ص۱۳۰).

این راهبرد یا استراتژی پژوهشی نوعی روش‌شناسی عمومی (General Methodology) برای تدوین نظریه‌هایی است که ریشه در داده‌های گردآوری و تحلیل‌شده به صورت نظام‌مند دارد و هدف غایی آن، ارائه تبیین‌های جامع تئوریک (Theoretical Comprehensive Explaination) در مورد یک پدیده ویژه است (دانایی‌فرد، ۱۳۸٤، ص۵۸)؛ البته *استراوس* خود تأکید می‌کند که مقصود از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ساختن و پرداختن نظریه‌ای است که در زمینه مورد مطالعه، صادق و روشنگر باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۸٤، ص۲٤).

بنابراین یک پژوهشگر هنگامی سراغ استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌رود که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) از یک فرایند باشد؛ در زمانی که نظریه‌های موجود، به مشکل مورد نظر یا به مشارکت‌کنندگان در فرایند مورد مطالعه نمی‌پردازند، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک نظریه، تولید می‌کند و ازآنجاکه این نظریه، در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آنها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که در فرایند یافت می‌شود، نشان دهد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳، ص۹٤). پژوهش پیش رو به دنبال ارائه نظریه‌ای جدید نیست، بلکه محقق تلاش می‌کند طبق الگوی از پیش موجود بازار یک کالا، که شامل دو بخش عرضه و تقاضا و عوامل مؤثر بر آن‌دو است، به تحلیل داده‌ها بپردازد؛ بنابراین نیازمند استفاده از

نظریه داده‌بنیاد نیست و استخراج داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا برای هدف پژوهش کافی است.

یکی از ویژگی‌های مهم این روش، ابزاری و خنثی‌بودن آن نسبت به اهداف پژوهش است؛ به این معنا که یک روش استنباط از داده‌ها نیست، بلکه به پژوهشگر کمک می‌کند مطابق اهداف پژوهش با دقت و به صورت روشمند، به گویاسازی متن و استخراج مضامین از پیش تعیین‌شده از آن پرداخته، آنها را دسته‌بندی کرده و به استنتاج از آنها بپردازد؛ پس این روش برای حوزه‌های گوناگون از جمله مطالعات دینی قابل استفاده است؛ فراوانی پژوهش‌های دینی انجام‌شده با این روش در سال‌های اخیر مؤید این گفته می‌باشد. پژوهش‌های انجام‌شده بر مبنای آن در حوزه علوم دینی و به‌ویژه متون حدیثی نشان داده است که این روش از قابلیت‌های بسیار خوبی جهت فهم و نقد احادیث برخوردار بوده و به همین دلیل است که پژوهشگران عرصه علوم دینی به جهت استفاده بهینه از دانش خود و عرضه بهینه آن به گروه‌های مختلف جامعه، از این روش در پژوهش‌های خود بهره می‌گیرند (ر.ک به: جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲/ جانی‌پور، ۱۳۷۵).

پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره آن بحث شده، برای پژوهش پیش رو، فن «تحلیل محتوای مضمونی» (Thematic Content Analysis) بر مبنای واحد «جملات» و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر «کلیدواژگان» اصلی و فرعی انتخاب شد. برای فهم دقیق آیات، به جز ترجمه‌های مختلف قرآن، از تفاسیر به‌ویژه تفسیر **المیزان** (طباطبایی، ۱۳۷٤) استفاده می‌شود؛ سپس مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری هر کدام از عبارات آیات نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم می‌شود.

به صورت جزئی‌تر، نخست با نگاه به واژگان کلیدی هر آیه، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط تمرکز آن که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر متن و جمله است، استخراج می‌شود؛ در مرحله دوم با درج متن اصلی آیه در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع‌شده پرداخته می‌شود؛ پس از آن فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود؛ چگونگی یافتن مقولات و نتایج به شرح زیر می‌باشد:

۱. تجمیع کلیه آیات در نرم‌افزار اکسل و تفکیک آنها بر اساس مخاطب یا موضوع؛
۲. بررسی کامل محتوای هر متن جهت یافتن موضوع اصلی آن؛
۳. بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر متن جهت یافتن موضوعات فرعی آن؛ منظور از موضوعات فرعی، عناوینی می‌باشند که هر چند به صورت مستقل در متن آیه مطرح نشده‌اند، ولی تشکیل‌دهنده مفهوم اصلی آن هستند؛
٤. بررسی و تحلیل موضوعات اصلی کلیه آیات به منظور ایجاد دسته‌بندی موضوعی؛
۵. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته به منظور ایجاد یک طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع؛
٦. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی آیات در قالب نمودار؛
۷. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی هر دسته در قالب نمودار؛
۸. تحلیل کیفی آیات هر دسته بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی؛
۹. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج پژوهش.

در واقع این امور نه‌گانه، روش تحقیق و عمل‌کرد محققان را نشان می‌دهند.

٤. تحلیل محتوای آیات قرآن

برای تحلیل محتوای آیات قرآن نخست لازم است آیات مربوطه استخراج شوند؛ در شش آیه از قرآن کریم، بحث قرض به خداوند مطرح است و همه با صفت «الحسنه» همراه شده‌اند؛ آن‌چنان‌که برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی گفته‌اند، خداوند متعال ﷻ انفاق مؤمنان در راه دین و برطرف‌کردن مشکلات جامعه اسلامی را قرض‌گرفتن خودش نامیده است؛ زیرا می‌خواهد مؤمنان را بر این کار تشویق کند و هم انفاق با نیت خالص الهی انجام گیرد و هم عوض آنها را چند برابر به آنها باز می‌گرداند (طباطبایی، ١٣٧٤، ج٢، ص٤٣٢)؛ ازآنجاکه دادن وام به بندگان خدا نیز یک انفاق و خرج‌کردن مال در راه اهداف جامعه اسلامی به شمار می‌رود، پس نسبت بین قرض‌الحسنه به خداوند و قرض‌الحسنه رایج عام و خاص مطلق است؛ طبق این تفسیر، قرض‌الحسنه رایج مصداق عمل صالح است و برای نیکوبودن آن، می‌توان به این آیات نیز استشهاد کرد.

تفسیر دیگر آن است که منظور از قرض‌الحسنه، دادن قرض به انسان‌های نیازمند به صورت حقیقی باشد؛ این تفسیر را محقق *اردبیلی* در کتاب زبدةالبیان خود بیان می‌کند (محقق اردبیلی، ١٣٨٦ق، ص٤٥٢)؛ طبق این تفسیر، تفاوتی میان دو اصطلاح قرآنی و فقهی قرض‌الحسنه وجود نخواهد داشت؛ آنچه این تفسیر را تقویت می‌کند، آن است که انفاق از معاملات نیست، بلکه می‌توان آن را از ایقاعات دانست؛ چراکه انفاق در لغت به معنای خرج‌کردن مال است؛ ولی در قرض، شخص قرض‌دهنده، آن را از مال خود جدا کرده و به تملیک قرض‌گیرنده در می‌آورد و وی متعهد می‌شود در سررسید، آن را به قرض‌دهنده بازگرداند؛ بر اساس این تفسیر، قرض‌الحسنه در قرآن به معنای انفاق نیست، هر چند اگر انفاق به معنای کلی در نظر گرفته شود، قرض‌الحسنه را نیز در بر می‌گیرد.

مطالعه پیش رو طبق این تفسیر، اساس کار خود را آیات مربوط به قرض حسن در قرآن قرار می‌دهد؛ در این صورت، نیازی به بررسی آیات مربوط به اعمال صالح و مشابه آن نیست؛ زیرا مصداق اصلی آن در قرآن تعیین شده است؛ همچنان‌که در پژوهش درباره نماز در قرآن، نیازی به بررسی آیات مربوط به عمل صالح نیست و مطالعه آیات مربوط به نماز کفایت می‌کند.

پیش از درج جداول تحلیل محتوای آیات که ابتدا در نرم‌افزار اکسل طراحی و سپس به محیط نگارش تحقیق، منتقل شده‌اند، توضیح چند کلیدواژه مهم ضروری است:

منظور از «موضوع اصلی» عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر آیه و حدیث می‌باشد؛ این موضوع کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است. جدول یک، نمونه‌ای از نتایج تحلیل محتوای آیات مربوطه را نشان می‌دهد:

جدول ۱: نمونه تحلیل محتوای آیات قرآن

ردیف	متن آیه	کلید واژگان	موضوع اصلی	جهت گیری	نقاط تمرکز
۱	وَ إِنْ كانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلى مَيسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۲۸۰)	مهلت	نحوه رفتار با بدهکار تنگدست	اخلاقی	لزوم مهلت به بدهکار تنگدست تا زمان سهولت و توانایی او بر پرداخت
		توانایی			تنگدستی مدیون، سزاوار عفو و گذشت بدهی وی از سوی طلبکار است.
		بخشش		احکام	تنگدستی بدهکار، سبب سزاواری وی برای استفاده از سهم غارمین است.
۲	وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلى سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا كاتِباً فَرِهانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمانَتَه ... (بقره: ۲۸۳)	امانت	جواز گرفتن ضمانت در قبال بدهی	احکام	دین (قرض) امانتی بر عهده مدیون است.
		ضمانت			می‌توان در قبال قرض از بدهکار ضمانت گرفت.
۳	يوصيكُمُ اللَّهُ فى أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيينِ... مِنْ بَعْدِ وَصِيةٍ يوصى بِها أَوْ دَين ... (نساء: ۱۱)	وصیت	زمان تقسیم اموال میت	احکام	ارث‌بردن از پدر، وابسته به پرداخت اموال مورد وصیت و بدهی‌های او می‌باشد.
٤	إِنَّمَا الصَّدَقاتُ ... وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ ... فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ٦٠)	بدهکار	فریضه‌بودن و حکیمانه‌بودن ادای بدهی ناتوان از زکات	اعتقادی	بدهکاران، دارای حقّی از سهم زکات، برای ادای بدهی خود هستند.
		زکات			پرداخت بدهی بدهکار ناتوان، از زکات فریضه‌ای الهی است.
		حکمت		احکام	پرداخت بدهی بدهکار ناتوان، به صورت یکی از مصارف زکات، از علم و حکمت خداوند سرچشمه گرفته است.
		فریضه			
۵	يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَين إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَينَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يأْبَ كاتِبٌ أَنْ يكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيكْتُبْ وَ لْيمْلِلِ الَّذِي عَلَيهِ الْحَقُّ ... فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يسْتَطِيعُ أَنْ يمِلَّ هُوَ فَلْيمْلِلْ وَلِيهُ بِالْعَدْلِ ... (توبه: ۲۸۲)	نوشتن	حقوق طلبکار	اعتقادی	تنظیم اسناد بدهی، از حقوق طلبکار بر بدهکار است.
		عدالت		احکام	

منبع: نتایج پژوهش.

۵. تحلیل داده‌ها

پس از تجزیه و تحلیل آیات قرآن نوبت به آن رسیده که نتیجه آنچه در جداول تحلیل محتوا بیان شده، در قالب نمودار و جدول و به صورتی کاملاً گویا و شفاف بیان شود؛ نکته مهم در این بخش، قابلیت و امکان استفاده از نتایج اطلاعات کمّی جهت ورود به یافته‌های کیفی و تحلیل کیفی است؛ باید توجه داشت که منظور از تحلیل‌های کمّی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح‌شده در متن می‌باشد که پژوهشگر را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته در آن بیشتر آشنا می‌سازد؛ در حقیقت تحلیل‌های کمّی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که پژوهشگر بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است (کریپندورف، ۱۳۷۸، ص۲٦).

تحلیل محتوای کیفی نیز تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی‌شده به صورت سیستماتیک می‌باشد که به دنبال مشخص‌ساختن الگوهایی است که در نهایت از مفاهیم ساخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر تحلیل‌های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده اتخاذ می‌شوند که در نهایت منجر به نظریه‌پردازی می‌گردند (هولستی، ۱۳۷۳، ص١٤).

در این بخش، نخست نمودارها و نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای آیات قرآن در قالب جدول و نمودار به تصویر کشیده شده و در پایان، جمع‌بندی کلی از یافته‌های تحقیق بیان می‌شود؛ در خصوص هر کدام از محتوای آیات قرآن نیز نخست نمودار سنجش فراوانی واژگان کلیدی و سپس جهت‌گیری کلی مضامین بیان شده و به مناسب هر کدام از حوزه‌های اخلاقی، اعتقادی و احکام، مهم‌ترین نقطه تمرکزها و مؤلفه‌های مطرح در این خصوص معرفی و در قالب نمودار بیان شده است.

هدف از پرداختن تفصیلی به یافته‌های پژوهش انجام‌شده با روش تحلیل محتوا در این بخش، استخراج الگوی بازار وجوه استقراضی از دیدگاه دین مبین اسلام بر مبنای تحلیل محتوای آیات قرآن کریم است.

در بحث کلیدواژگان بیشترین کلیدواژه در زمینه قرض را واژه «قرض‌الحسنه» که معادل قرآنی آن «قرض حسن» می‌باشد به خود اختصاص داده است. *طبرسی* در تفسیر آیه یازده سوره مبارکه حدید اشاره می‌کند که تعبیر «قرضاً حسناً» اشاره به این حقیقت دارد که

وام‌دادن خود انواعی دارد که برخی را نیکو و برخی را کم‌ارزش می‌کند و با استفاده از دیگر تفاسیر، حداقل ده شرط برای آن بیان می‌کنند:

۱. از بهترین قسمت مال انتخاب شود؛ ۲. از مال مورد نیـاز خـود بدهـد؛ ۳. بـه نیازمنـدان بدهد؛ ٤. بهتر است مکتوم باشد؛ ٥. با منت و آزار نباشد؛ ٦. با اخلاص و صدق نیت باشد؛ ۷. کار خود را کم‌ارزش بشمارد؛ ۸. از اموال مورد علاقه‌اش باشد؛ ۹. خود را واسـطه میـان خدا و خلق بداند؛ ۱۰. از اموال حلال باشد (طبرسی، ۱٤۱٥ق، ج٤، ص۸۳).

کلیدواژه دیگر واژه «وصیت» است که در همه آیات ذکر شده است؛ این واژه در کنار کلمه قرض قرار گرفته و به این موضوع اشاره دارد که تقسیم ارث وابسته به انجام وصیت و پرداخت قرض میّت است؛ نمودار سنجش فراوانی این کلیدواژگان به شرح ذیل است:

نمودار ۲: کلیدواژگان آیات قرآن

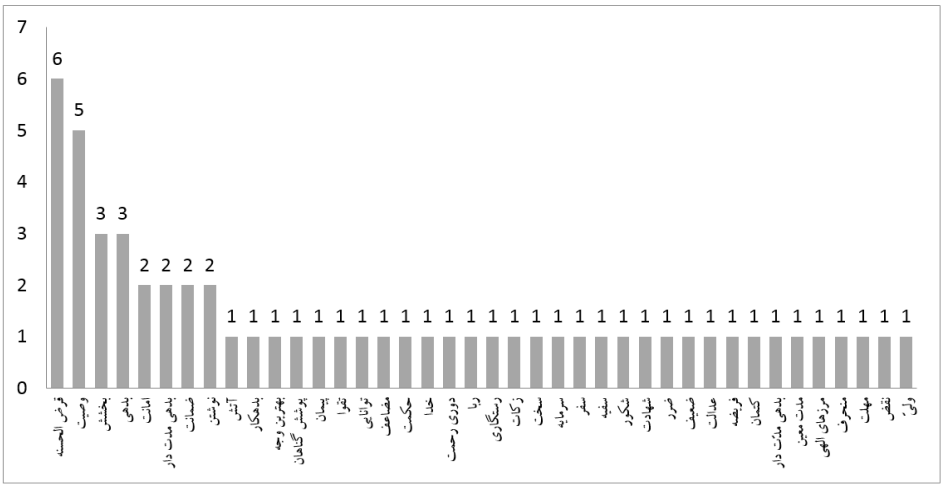

پس از استخراج کلیدواژگان اصلی هر کدام از آیات قرآن، می‌بایست به جهت‌گیری اصلی هر کدام از آیات توجه داشت؛ همان‌گونه‌که در جدول یک و نمودار سه ملاحظه می‌شود، جهت‌گیری آیات جمع‌آوری‌شده در زمینه قرض، بیشتر جنبه اعتقادی دارد که می‌توان این‌گونه برداشت کرد که برای ایجاد یک امر یا فرهنگ در جامعه، نخست می‌بایست مردم آن جامعه، آن مسئله و موضوع را پذیرفته و به نوعی به آن ایمان داشته باشند و سپس اجرا کنند و سرانجام برای آن چارچوب عملی وضع نمود؛ بنابراین خداوند متعال ﷻ نیز تلاش نموده است برای تبیین مسئله قرض‌الحسنه، نخست جایگاه و ارزش

اعتقادی آن را بیان نموده و سپس برای آن احکامی ویژه وضع نماید؛ نمودار جهت‌گیری آیات قرآن بدین شرح است:

نمودار ۳: جهت‌گیری آیات قرآن



طبق نمودار سه، حدوداً نیمی از جهت‌گیری آیات، اعتقادی است و تقریباً نصف آنها احکامی است؛ دقتی دیگر آشکار می‌کند که جهت‌گیری اعتقادی به طرف عرضه قرض توجه دارد و طرف تقاضا بیشتر دارای جهت‌گیری احکامی است؛ از این یافته بعداً استفاده بیشتری خواهیم کرد.

ازآنجاکه جهت‌گیری اعتقادی، بیشترین فراوانی را در مجموعه آیات قرآن کریم دارد، در این بخش نخست به تجزیه و تحلیل مضامین اصلی آیات اعتقادی پرداخته و مهم‌ترین نقطه تمرکزهای مطرح در این خصوص را بیان می‌کنیم؛ از جمله نکات قابل توجه برای تقویت بنیه اعتقادی مردم در زمینه قرض، نادیده‌گرفتن و پوشاندن گناهان و دستیابی به فوز عظیم و کامیابی در بهشت جاودان، از پاداش‌های قرض‌الحسنه ذکر شده است؛ نمودار سنجش فراوانی مهم‌ترین موضوعات اصلی آیات اعتقادی بدین شرح است:

نمودار ٤: موضوعات اصلی اعتقادی

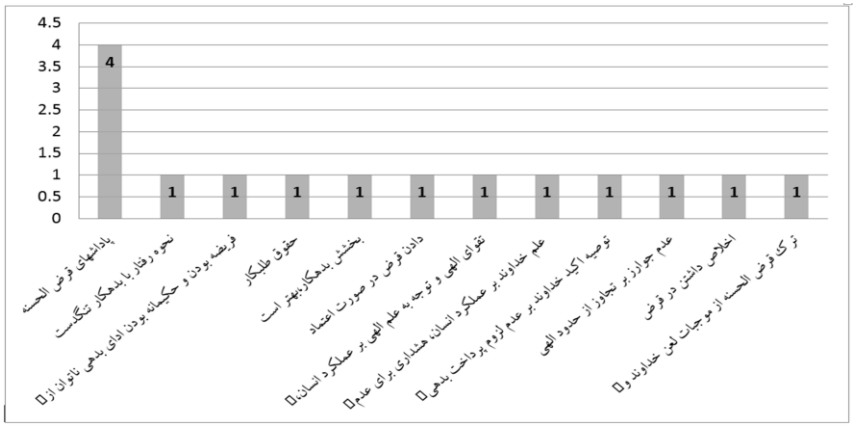

قرآن کریم در عین تشویق به قرض برای آن چارچوب نیز تعیین می‌کند؛ قرآن تأکید قابل توجهی بر قرض‌ندادن بدون نوشتن و یا حتی ضمانت دارد؛ به دیگر سخن بر مستحکم بستن قرارداد قرض پافشاری دارد؛ نمودار پنج بیانگر این مطالب است:

نمودار ٥: موضوعات اصلی احکام

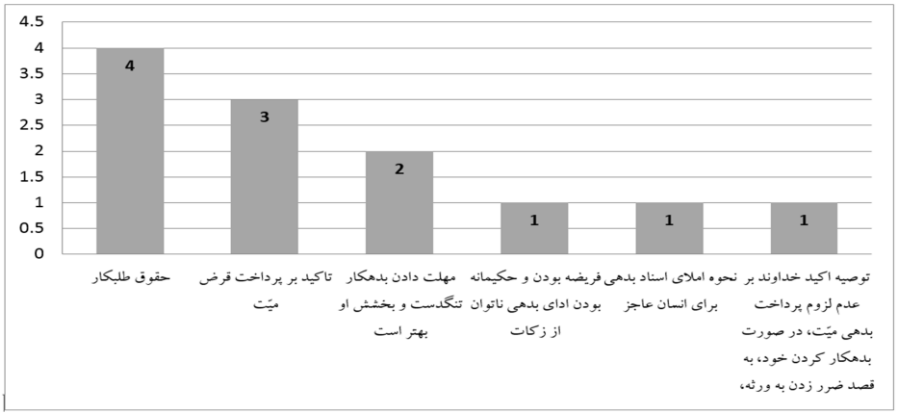

قرآن کریم جهت تشویق به قرض از نکاتی همچون وعده پاداش مضاعف، آمرزش و پوشاندن گناهان و دستیابی به فوز عظیم و جاودانگی در بهشت استفاده می‌کند که در نمودار شش بیان شده است:

نمودار ٦: نقاط تمرکز پاداش‌های قرض‌الحسنه

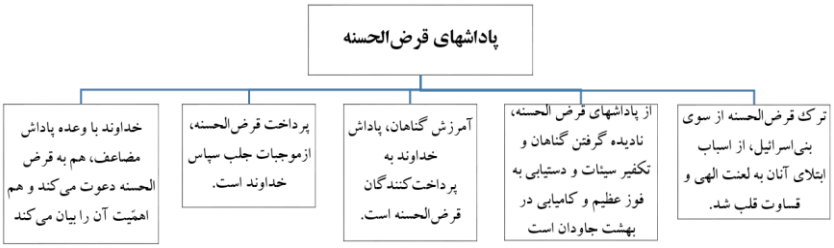

همچنین قرآن کریم جهت جلوگیری از ضایع‌شدن حق طلبکار و ثابت‌ماندن قرض میان مردم، از موضوعاتی همچون تنظیم اسناد بدهی و گرفتن ضمانت سخن می‌گوید که در نمودار زیر دیگر موارد آن نیز بیان شده است:

نمودار ٧: نقاط تمرکز حقوق طلبکار

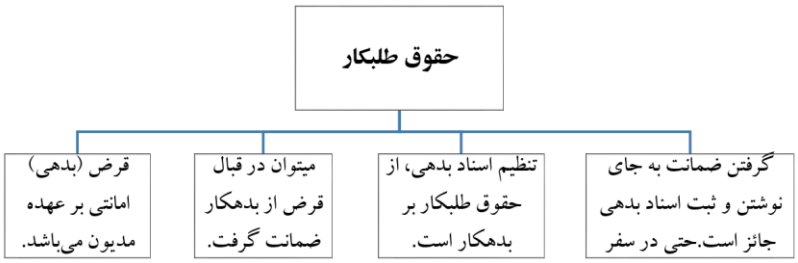

در قرآن با بیان مسائلی همچون اینکه برای پرداخت قرض میّت نیازی به اجازه او نیست، نادیده گرفتن پرداخت قرض میّت به منزله زیر پا گذاشتن حدود الهی است و اینکه باید بدهی او را از اصل ترکه، پیش از تقسیم ارث پرداخت نمود، بر پرداخت قرض میّت تأکید دارد که مهمترین نقاط تمرکز بر این موضوع در آیات قرآن کریم بدین شرح است:

نمودار ٨: نقاط تمرکز تأکید بر پرداخت قرض میّت

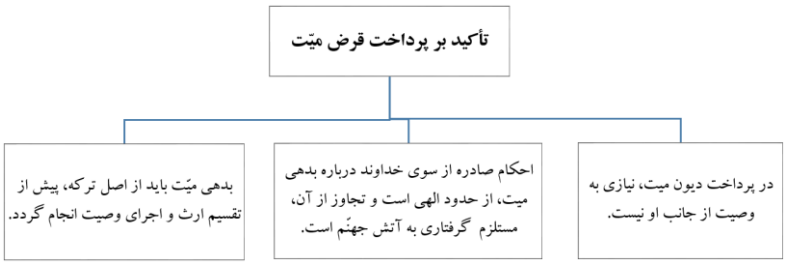

قرآن کریم به مسئله مهلت‌دادن به بدهکار تنگدست و بخشش او نیز تأکید بسیار دارد؛ قرآن با بیان موضوعاتی همچون مهلت به بدهکار تنگدست تا زمان سهولت و توانایی او، تنگدستی او مستلزم استحقاق عفو و گذشت بدهیش از سوی طلبکار و بهره‌مندی از سهم غارمین و حتی اینکه پرداخت قرض بدهکار تنگدست از زکات، فریضه‌ای الهی است، بر این ادعا صحت می‌گذارد؛ دیگر موارد مورد تأکید قرآن در خصوص مهلت‌دادن و بخشش بدهکار تنگدست به شرح زیر است:

نمودار ۹: نقاط تمرکز مهلت‌دادن و بخشش بدهکار تنگدست

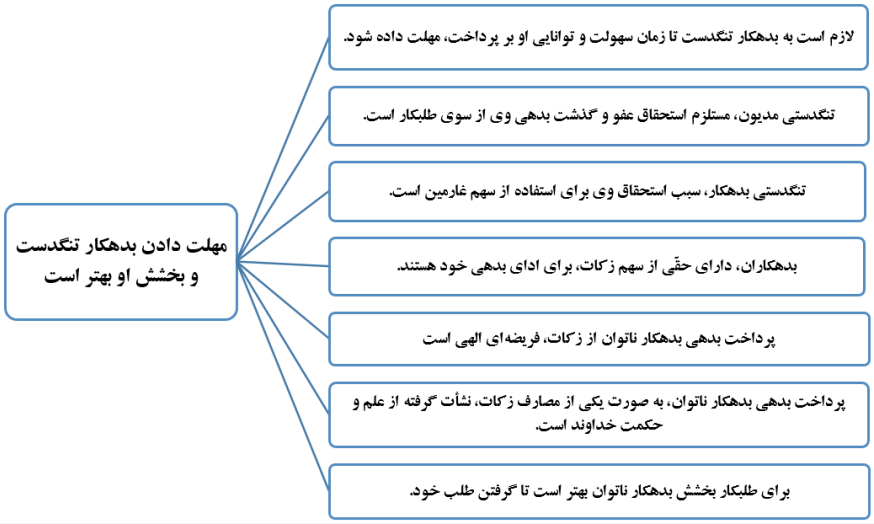

٦. ارائه الگو

قرآن در بازار استقراض بین دو طرف تمایز قائل شده است: طرف عرضه که دهندگان قرض هستند و طرف تقاضا. اولاً وجود نهاد قرض در اسلام لازم است؛ همچنان‌که *محققنیا* (۱۳۸۸) بیان می‌کند فردی که پول را برای مصرف لازم دارد و توان بازپرداخت آن را نیز دارد؛ اولاً نباید ملزم به پرداخت بهره شود؛ زیرا از محل قرض سودی کسب نکرده است و ثانیاً برای حفظ آبرو به صدقه نیازی ندارد؛ پس قرض‌الحسنه نهادی لازم در اسلام است؛ بنابراین دین اسلام برای ساماندهی این نهاد و سنت حسنه دارای برنامه است.

ازآنجاکه طبق احکام اسلامی گرفتن ربا تحریم شده است، خداوند متعال ﷻ برای برانگیختن مردم به قرض‌دادن از انگیزه‌های معنوی استفاده می‌کند؛ بیان پاداش‌های چندبرابر در قبال پرداخت قرض، کسب رضایت الهی با پرداخت قرض، قرض‌دادن به مثابه عبادت، جلب سپاس خداوند، وعده آمرزش و پوشاندن گناهان، دادن قرض به خداوند، ترک قرض‌الحسنه موجب قساوت قلب و لعنت خداوند متعال ﷻ همه از این باب است؛ سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا مؤمنان همواره باید بخشی از مال خود را انفاق کنند؟ پاسخ مثبت است و خداوند در آیات کریمه «وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ * لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ» (معارج: ٢٤-٢٥) بدان اشاره می‌کند؛ بدین‌ترتیب می‌توان گفت بر اساس آموزه‌های اسلامی هر فرد مسلمان، درآمد خود را بین مصرف، سرمایه‌گذاری و انفاق تقسیم می‌کند (میرمعزی، ١٣٨٤، ص٤٠) که البته باید مالیات ـ شامل مالیات‌های دولتی و اسلامی همچون خمس و زکات ـ را نیز بدان افزود؛ البته انفاق نیز می‌تواند دارای مصارف تخصصی خود باشد؛ چنان‌که صندوق‌های قرض‌الحسنه با همین انگیزه به وجود آمده‌اند؛ نکته دیگر در طرف عرضه، احکام مربوط به بدهکار تنگدست است؛ در اینجا خداوند متعال ﷻ سه پیشنهاد دارند: مهلت‌دادن به بدهکار، بخشش وی یا بهره‌مندی وی از زکات برای پرداخت بدهی خود؛ این تدبیر سبب می‌شود همواره بدهی بدهکار تسویه شود و لذا طلبکار به ریسک نکول طلب خود دچار نشود؛ این نکته می‌تواند بر طرف عرضه وجوه قابل استقراض تأثیر بگذارد.

در طرف تقاضا خداوند متعال ﷻ بیشتر به آموزه‌های احکامی تأکید می‌کند؛ چراکه پس از ردوبدل‌شدن مال، امکان استفاده از ابزارهای حقوق اسلامی وجود دارد؛ برای نمونه دائن می‌تواند با گرفتن ضمانت، شاهد و مکتوب‌کردن اسناد بدهی از گرفتن طلب خود مطمئن شود؛ بنابراین ضرورتی ندارد در اینجا هم قرآن از انگیزه‌های معنوی صحبت کند؛ اگرچه آیات دیگری از أکل مال به باطل نهی کرده است. سفارشات پی‌درپی قرآن به پرداخت دَین متوفی قبل از تقسیم ارث و املای اسناد بدهی برای انسان ناتوان نیز برای نشان‌دادن اهمیتی است که پرداخت دَین دارد؛ بدین‌ترتیب می‌توان بازار وجوه قابل استقراض ایدئال در اقتصاد اسلامی را به صورت نمودار ده ترسیم نمود:

نمودار ۱۰: بازار وجوه قابل استقراض در اقتصاد اسلامی

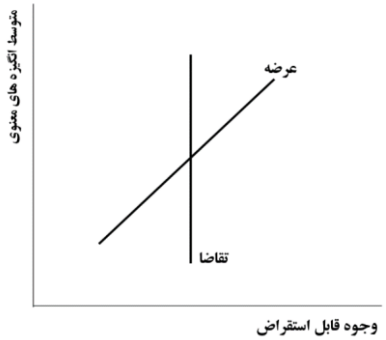

دو نکته در زمینه نمودار ده وجود دارد: یکی آنکه واقعاً بازار وجوه قابل استقراض در اقتصاد اسلامی، بازار به معنای مصطلح نیست؛ زیرا قیمتی در آن وجود ندارد و نمی‌توان از انگیزه‌های معنوی تعبیر به قیمت نمود؛ چون مانند قیمت کاهش و افزایش نمی‌یابد تا بازار را تسویه کند، بلکه معلول عوامل دیگری است که مهم‌ترین آنها تربیت اسلامی صحیح است؛ بدین‌ترتیب از این پس تنها برای سادگی تعبیر به صورت مسامحی از این اصطلاح استفاده می‌کنیم؛ نکته دیگر آنکه تقاضا هم می‌تواند تابع انگیزه‌های معنوی باشد؛ ولی به دلیل پافشاری بیشتر آیات بر احکام در سمت تقاضا منحنی تقاضا عمودی در نظر گرفته می‌شود؛ در صورت استفاده از روایات ممکن است این شیب تغییر یابد.

عوامل مؤثر بر منحنی‌های عرضه و تقاضا

الف) استقرار نظام حقوقی و قضایی کارا: در صورتی که حقوق وام‌دهندگان به‌خوبی رعایت شود، نرخ ریسک نکول وام کاهش می‌یابد؛ در این صورت منحنی عرضه به سمت راست انتقال می‌یابد؛ زیرا گروهی از افراد بخشی از مال خود را برای قرض‌دادن اختصاص می‌دهند و دادن قرض‌های بعدی از محل بازپرداخت وام‌های قبلی صورت می‌گیرد؛ در اینجاست که گرفتن شاهد، ضامن، پرداخت بدهی میت از اصل ترکه (میراث و آنچه از شخص متوفی باقی مانده) و قبل از تقسیم ارث و پرداخت بدهی معسر از زکات از جمله راهکارهای اسلام است که سبب می‌شود همه قرض‌ها پرداخت شود یا در صورت بخشش

قرض‌دهنده، تسویه شود؛ منحنی تقاضا هم به سمت چپ جابه‌جا می‌شود؛ زیرا افرادی که نیاز چندانی به وام ندارند یا با انگیزه پس‌ندادن وام می‌گیرند، از بازار خارج می‌شوند؛ این عامل سبب افزایش احتمال ایجاد تعادل در بازار می‌شود.

ب) تورم بالا: تورم بالا موجب کاهش ارزش واقعی پول قرض‌داده‌شده می‌شود و به سود قرض‌گیرنده و به زیان قرض‌دهنده است؛ بنابراین موجب انتقال منحنی عرضه به سمت چپ و منحنی تقاضا به سمت راست شده و احتمال تسویه‌نشدن بازار و پاسخ‌نگرفتن همه تقاضاها را افزایش می‌دهد؛ نمودار نوعی یازده نشان‌دهنده چنین حالتی است:

نمودار ۱۱. بازار وجوه قابل استقراض در اقتصاد اسلامی در حالت پاسخ داده نشدن تقاضای قرض‌الحسنه

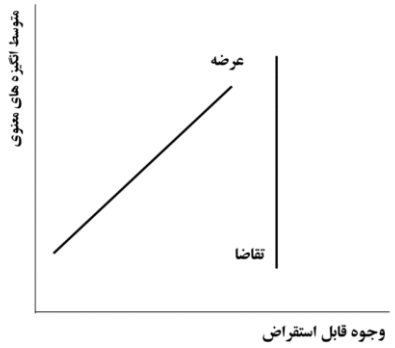

ج) افزایش نابرابری درآمدی: این عامل موجب افزایش انتقال منحنی‌های عرضه و تقاضا به سمت راست می‌شود؛ ولی به‌راستی نمی‌توان گفت موجب افزایش احتمال تسویه‌نشدن بازار می‌شود؛ مگراینکه این نابرابری اسباب غیرشرعی همانند رانت‌جویی و سوءاستفاده گروهی از موقعیت خود داشته باشد.

د) رکود ـ و رونق ـ اقتصادی: رکود اقتصادی و فقیرترشدن جامعه دو اثر عکس بر تقاضا دارد: از سویی تعداد افراد نیازمند گرفتن کمک مالی از دیگران به صورت قرض و صدقه افزایش می‌یابد؛ از سوی دیگر تعدادی از کسانی که قبلاً این کمک را در قالب قرض دریافت می‌کرده‌اند، حال صدقه‌بگیر می‌شوند؛ پس اثر خالص آن بر منحنی تقاضا نامعلوم است؛ به عبارت دیگر بخشی از استقراض‌کنندگان به گیرنده صدقه تبدیل شده و از این

بازار ـ به معنای مسامحی خود ـ خارج می‌شوند و در همان زمان هم گروهی از سایر افراد و حتی قرض‌دهندگان به گیرنده قرض تبدیل می‌شوند؛ در طرف عرضه هم با ثبوت سایر شرایط، تعداد افرادی که می‌توانند به دیگران وام اعطا کنند، قدرت وام‌دهی آنان کاهش می‌یابد؛ همچون حالت‌های قبل، این موضوع موجب افزایش احتمال تسویه‌نشدن بازار می‌شود (نمودار یازده). در رونق اقتصادی عکس این حالت‌ها اتفاق می‌افتد.

هـ) افزایش روحیه مصرف‌گرایی در جامعه: با افزایش چنین روحیه‌ای، منحنی عرضه به سمت چپ جابه‌جا می‌شود؛ چون اولاً ثروتمندان بخش بیشتری از اموال خود را به مصرف اختصاص می‌دهند؛ ثانیاً به دلیل تشخیص‌ندادن نیاز واقعی از نیاز غیر واقعی متقاضیان وام، انگیزه برای دادن وام کاهش می‌یابد؛ منحنی تقاضا هم به سمت راست جابه‌جا شده و بنابراین احتمال تسویه‌نشدن بازار افزایش می‌یابد.

و) کاهش انگیزه‌های معنوی و افزایش انگیزه‌های مادی افراد جامعه: این عامل بدون انتقال منحنی عرضه موجب کوتاه‌ترشدن آن شده و بنابراین موجب افزایش احتمال پاسخ‌نگرفتن همه تقاضای قرض‌الحسنه می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، وظیفه دولت اسلامی برای فراهم‌آوردن امکان تسویه این بازار، عبارت است از: کنترل تورم، افزایش کارایی نظام حقوقی و قضایی، تربیت معنوی مردم برای افزایش انگیزه‌های معنوی، شناسایی نیازهای اساسی مردم ـ همانند ازدواج و ایجاد شغل ـ و تشویق مردم به اختصاص وجوهی از خود به این موارد.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو با هدف استخراج الگویی برای بازار وجوه استقراضی (قرض‌الحسنه) در اقتصاد اسلامی، نخست بازار صدقات از بازار استقراض تفکیک گردید؛ زیرا هم عرضه و هم تقاضای آنها با یکدیگر متفاوت‌اند؛ به همین دلیل است که صندوق‌های قرض‌الحسنه ایجاد شده و پاسخ به بخشی از نیازهای استقراض جامعه را انجام می‌دهند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل تحریم ربا در اسلام، خداوند متعال ﷻ در قرآن کریم انگیزه‌های اخروی و میل به تهذیب نفس را جایگزین انگیزه‌های دنیوی و کسب سود مادی در طرف عرضه وجوه استقراضی می‌نماید؛ بنابراین اصلی‌ترین تفاوت

بازار استقراض در غرب با اسلام درگیرکردن انگیزه‌های اخروی در اداره دنیا و اصلاح معیشت مردم است که تأییدی بر درهم‌تنیدگی دنیا و آخرت در دین اسلام می‌باشد؛ در طرف تقاضا نیز با پافشاری روی حقوق طلبکار، ابزارهای گوناگونی را برای اطمینان از بازپرداخت دَین طراحی کرده است.

تسویه بازار استقراض در اقتصاد اسلامی با هدف کاهش نابرابری و کاهش احساس فقر مهم است؛ بنابراین با توجه به الگوی ارائه‌شده و عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای وجوه، دو راهکار بنیادی برای تسویه این بازار می‌توان ارائه کرد: یکی افزایش انگیزه‌های معنوی و دیگری دامن‌نزدن به مصرف‌گرایی که منطبق با آموزه‌های اسلامی نیز هست؛ پس هرچه جامعه اسلامی‌تر باشد، احتمال وجود تعادل در این بازار بیشتر است؛ در صورت نبود تعادل، احتمالاً لازم است دولت اسلامی نیز در طرف عرضه وجوه مشارکت داشته باشد؛ به‌ویژه برای رفع نیازهای اساسی جامعه همچون مسکن و ازدواج.

در پایان پیشنهاد می‌شود برای جامعیت‌بخشیدن به الگو، پژوهشی مشابه با رجوع به روایات معصومان علیهم‌السلام درباره قرض و دَین صورت گیرد و یافته‌های آن با پژوهش پیش رو مقایسه شود.

منابع و مآخذ

۱. ابن‌سعید الحلی، یحیی؛ **الجامع للشرایع**؛ ج۱، قم: مؤسسه سیدالشهدا علیه‌السلام، ۱٤۰۵ق.
۲. استراوس، آنسلم و جولیت کوربین؛ **اصول روش تحقیق کیفی**: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه بیوک محمدی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸٤.
۳. اخوان کاظمی، بهرام؛ «امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی»؛ **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، ش۲، ۱۳۸۷.
٤. امیری، علی‌نقی؛ «مدیریت عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه (مورد مطالعه: نامه۵۳)»؛ **مجله مدیریت فرهنگ سازمانی**، ش۳۷، ۱۳۹٤.
۵. باردن، لورنس؛ **تحلیل محتوا**؛ ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

٦. باقری، فریبرز؛ زهرا کیایی و مسعود آذربایجانی؛ «تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام علی﵇: پژوهشی با روش تحلیل محتوا»؛ **مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، ش۱۳، ۱۳۹۲.
۷. جانی‌پور، محمد؛ **اخلاق در جنگ**: تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین﵇ و معاویه؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق﵇، ۱۳۷۵.
۸. جانی‌پور، محمد و رضا شکرانی؛ «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»؛ **مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث**، ش۲، ۱۳۹۲.
۹. جانی‌پور، محمد و سیدمهدی لطفی؛ «نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی»؛ **مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، ش۲٦، ۱۳۹٤.
۱۰. حبیبیان نقیبی، مجید؛ «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»؛ **فصلنامه نامه مفید**، ش۳۱، ۱۳۸۱.
۱۱. ـــــــــ؛ «قرض‌الحسنه: نگرشی تفسیری ـ روایی»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش۱٦، ۱۳۸۳.
۱۲. دانایی‌فرد، حسن؛ «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادین»؛ **دوماهنامه دانشور رفتار**، ش۱۱، ۱۳۸٤.
۱۳. دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر؛ **روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت**: رویکردی جامع؛ تهران: انتشارات صفار ـ اشراقی، ۱۳۸۳.
۱٤. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمدبن‌مفضل؛ **مفردات الفاظ راغب**؛ ترجمه حسین خداپرست؛ قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷.
۱۵. رضوان‌خواه، سلمان و مهدی فاضلی دهکردی؛ «احصاء و بررسی مبانی اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم»؛ **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، ش۸، ۱۳۹۰.
۱٦. روحی برندق، کاووس؛ «تحلیل فقه‌الحدیثی مفهوم احادیث دال بر اسمای حسنای خدا بودن اهل‌بیت﵈»؛ **مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، ش۲۷، ۱۳۹٤.
۱۷. شایگان، فریبا؛ «شاخص‌های اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت علی﵇»؛ **مجله اسلام و علوم اجتماعی**، ش۱٤، ۱۳۹٤.

۱۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»؛ **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی**، ش۸، ۱۳۷۵.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷٤.
۲۰. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن‌الحسن؛ **مجمع‌البیان فی تفسیرِ القرآن**؛ بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱٤۱۵ق.
۲۱. کریپندورف، کلوس؛ **مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا**؛ ترجمه هوشنگ نائینی؛ تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۸.
۲۲. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود؛ **روش تحقیق در علوم اجتماعی**؛ ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر؛ چ٦، تهران: انتشارات توتیا، ۱۳۸۱.
۲۳. کمیجانی، اکبر و علی‌اصغر هادوی‌نیا؛ «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»؛ **مجله نامه مفید**، ش۱٤، ۱۳۷۷.
۲٤. فیروزان، توفیق؛ **روش تحلیل محتوا**؛ تهران: انتشارات آگاه، ۱۳٦۰.
۲۵. محقق اردبیلی، احمدبن‌محمد؛ **زبدة البیان فی أحکام القرآن**؛ تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸٦ق.
۲٦. محقق‌نیا، محمدجواد؛ «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»؛ **دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی**، ش۱، ۱۳۸۸.
۲۷. مطهری، مرتضی؛ **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
۲۸. ـــــــ؛ **آشنایی با علوم اسلامی**؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۲۹. معصومی‌نیا، غلامعلی؛ **دانشنامه جهان اسلام**؛ «مدخل دَین»؛ ج۱۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۳۰. منکیو، گریگوری؛ **مبانی علم اقتصاد**؛ ترجمه حمیدرضا ارباب؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۳۱. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی فقهی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش۲۰، ۱۳۸٤.

۳۲. موسوی خمینی، سیدروح‌اللّه؛ **تحریرالوسیله**؛ ترجمه علی اسلامی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱٤۰۹ق.
۳۳. میرمعزی، سیدحسین؛ « تقاضای پول در اقتصاد اسلامی»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش۱۰، ۱۳۸۲.
۳٤. ـــــــــ؛ «الگوی مصرف کلان در جامعه اسلامی»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش۲۰، ۱۳۸٤.
۳۵. عزتی، مرتضی؛ **روش تحقیق در علوم اجتماعی**؛ تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷٦.
۳٦. هادوی‌نیا، علی‌اصغر؛ «اوراق قرض‌الحسنه»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش٤، ۱۳۸۰.
۳۷. هولستی، اُل آر؛ **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**؛ ترجمه نادر سالارزاده امیری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ﷺ، ۱۳۷۳.
38. Anwar, Muhammad; **Modelling Interest-free Economy:** A Study in Macroeconomics and Development; Herndon: International Institute of Islamic Thought, 1987.
39. Ingham, Geoffrey; **Capitalism, With a New Postscript on the Financial Crisis and Its Aftermath**; London: Polity, 2008.
40. Pearce, David W. (eds.); **Macmillan Dictionary of Modern Economics**; Macmillan Ed, 1992.